

چهارشنبه ۳۰ آذر ۱۴۰۱ شماره ۶۳۸۷

# یلدای فراموشی آیین‌هادر سینما

**فیلم‌سازان ایرانی سراغی از جشن‌های ریشه‌دار و سنت‌های پسندیده کشور نمی‌گیرند**

یرانی به این شیوه مواجهه بهشدت نیاز دارند و می‌توانند همه چشنا و مراسم ریشه‌دار کشور را در قالب قصه‌های مختلف تصور بکشند.

تبیلدادی پوراحمد همان اول فیلم دست ما را می‌گیرد و همراه  
بهمه مانش به دل طلمتی می‌برد که خلاصی و رهایی از آن هرچند بعدی  
ییست، اماده شوار است و حتی بعد از نجات، رد زخم آن برای همیشه  
اقی می‌ماند. حامد که بعد از خدا حافظی با همسر و فرزندش که  
صد سفر به خارج دارند، در بازگشت از فروندگاه با قطعه «پس از این  
اری مکن/ هوس باری مکن/ توای ناکام دل دیوانه» بی‌تابی اش  
با بگریه بروز می‌دهد. این بیقراری در ادامه بیشتر می‌شود و بعد از  
بردن به موضوع خیانت و مهاجرت همیشگی همسرش، تاریکی  
نندگی قهرمان را به شکل غمگانه‌ای افزایش می‌دهد و ما مشاهد  
رسو و گذار مدام عاشق هستیم.

راین میان انار به عنوان یکی از میوه‌های شاخص شب یلدا حاضر رحسته‌ای در فیلم دارد و ساخت و ساز عاشق پیچاره را تقویت کی کند. اولین تصویر انار را در دقیقه ۱۲ می‌بینیم، جایی که حامد ناری را پیدا روزی یک طرف استوانه‌ای فاشق و چنگال قرار می‌دهد کمی بعد آن را برمی‌دارد و به نمایندگی از یار سفرکردش با او رددل می‌کند. گفت و گویی مجازی که در خودش درباره بازگشت همسرش دلداری می‌دهد: «رفتی خانم، ولی برمی‌گردی، نه؟ آره.» و به انار و خطاب به یار سفرکرد: دورت می‌گردم که بموی‌گردی. بنیان قدر دورت می‌گردم دورت می‌گردم تا سرگیجه بگیرم. خب! تو کم که دوست نداری من سرگیجه بگیرم. بابا! دوستمن داری دیگر.» بعد هم انار جلانده شده را روی یخچال قرار می‌دهد، یخچالی که عکس همسرش در لباس عروس رو آن به چشم می‌خورد. مکالمه حامد با انار، باتوجه به آن روی سکه همسر و خیانتش، یادآور این

شعر سه راه سپهی است که آرزو رویت باطن و شفاقت آدم‌ها  
دارد: «من اناری را می‌کنم دانه به دل می‌گویم / خوب بود این  
مردم دانه‌های دل شان پیدا بود / می‌پرد در چشم آب انار: اشک  
می‌ریزم / مادرم می‌خندد».

بته در ادامه قصه شب پلدا تا جای بسیاری خبری از خنده مادر بیست و اشک و داغ، فصل مشترک پسر و مادر که هنسالش عزیز است. جایی که عزیز به دیدار پرسش آمده و برایش غذا و خوارکی آورده و وجود بازیگوشی پسر که یکی ایسم غذاها رامی گوید مادر اشک ری زیرد و انار دان می کند. بعدتر هم که هر دو نشسته اند و موقع ناول انوارهای دان شده، فیلم های ویدئویی از گذشته خانواده را بینند، مادر با «داری پیر می شی و خبرنگاری» زار می زند که سهم مدهم این گریه به دلیل نتهاجاً پسر و شب های دراز تالخی است که پیری می کند. اما شب طولانی حامد سرانجام صحیح می شود و در ک صحیح برفی و زمستانی، عشق دیگری در دلش جوانه می زند و ریا فردوسی از راه می رسد. یک زن شکست خورده دیگر که او هم شل حامد شب های طولانی را با درد و رنج و اشک و آه به صحیح سانده و حالا می توانند مرهم خوبی برای هم باشند و شاید برای همیشه شب پلداشی شان را پشت سربیگارند و به نور و سپیدی و میم سلام کنند. یکی از نشانه های این روشنابی و شروع وعاشقی، وباره رادر سکانسی می بینیم که حامد آن انار کهنه و چلانده شده از ازوی یخچال برمی دارد و آن را با دست می فشارد و له می کند و دور می آزادد؛ اناواری که حالا دیگر نشانه خیانت و عشق قدیمی از مست رفته و یاد آور شب های تالخ است.

A close-up shot of a man with dark hair, wearing glasses and a mustache, holding a red apple in his right hand. He is wearing a dark green zip-up hoodie. The background is slightly blurred, showing what appears to be a window or a screen on the left and a yellow wall on the right.



هرسال این موقع، فضای مجازی از تبریک کریسمس و عکس‌های مختلف چهره‌های شناخته شده جهانی با انواع و اقسام عناصر کریسمسی همچون درخت‌های تزئین شده، گوزن و لباس‌های قرمبabaوئل پر می‌شود. همین به اشتراک گذاشتن شادی را به نوعی چهره‌های شناخته شده و برخی هنرمندان ایرانی هم در لحظه تحویل سال و ایام عید نوروز دارند و این مناسبت مهم را به شیوه‌های گوناگون به مردم و دوستداران شان شادباش می‌گویند. درباره جشن‌ها و مناسبت‌های دیگر تقویمی هم تقریباً چنین مساواتی حاکم است و همین کار را به وقت مناسبت‌هایی چون شب یلدا، چهارشنبه سوری، عید غطیر و دیگر ایجاد و جشن‌های ملی و مذهبی انجام می‌دهند. تا اینجا برابری کامل برقرار است، اما وقتی بحث را س هنرمندان و منحصر به خاک سینما می‌کشیم، آن وقت دیگر خیلی نمی‌توانیم با لبخند و غور سرمان را برابری بزنیم. در آزمون سنجش و ارزیابی کارهای سینمایی مربوط، موثر و مانندگار درباره ایجاد، جشن‌ها و پخش تقویمی، می‌شود گفته که تمامی و بدون چون و چرا و کمترین مقاومت، تسلیم سینمای غرب هستیم و من مرغ همسایه، اعتراض و اقرار می‌کنم.

اگر از فیلم «قصه شب یلدا» به کارگردانی ساموئل خاچیکیان محصول سال ۱۳۴۹ بگذریم که از قصه‌هاش ربطی به شب یلدا ندارد، همه خط و ربط سینمای ایران در این همه سال فعالیت، یک فیلم «شب یلدا» به کارگردانی کیومرث پوراحمد محدود و منحصر می‌شود که به شکل غریبی همین مختصر هم چندان سراغ جشن شب یلدا نمی‌رود و به جزاشاره‌ای، این آیین ایرانی را پایادآوری و نماینده‌گی نمی‌کند. با این حال ما به دلیل فقدان و برهوت توجه به آیین‌ها و سنت‌های جامعه در سینمای ایران، به همین اندک چنگ می‌زنیم و سعی می‌کنیم به آن پروابال دهیم تا بلکه فیلمسازی که مدعی ایرانی بودن و وطن پرستی دارند، در بزمگاه‌های مناسبتی و تقویمی دست ما را در پوست گرد و نگذارند و با بهره‌مندی هنرمندانه، این مراسم و آیین‌ها را در فیلم‌نامه و به اقتضای قصه‌های شان، تعییه و جانمانی کنند.

پوراحمد در فیلم شب یلدا، از این شب محبوب تقویم ایرانی بهره استعاری و نمادینی می‌برد و احوالات فهرمان قصه‌اش حامد احمدزاده (محمد رضا فروتن) را منطبق با ویژگی‌های مفهومی یلدا روایت می‌کند، یعنی نبرد تاریکی و روشنایی و درنهایت به سیبیدون بایان شب سمه می‌رسد. این نقشه

مقرهای غیرسینمایی

مeh جیز هم تقصیر سینما و مدیریت فرهنگی و سیاست‌گذاری های نیست و جامعه و حتی خود مادرم هم در این زمینه به تقصیر مستند. چقدر در همه این سال‌ها توانسته ایم عید نوروز، شب ایام، چهارشنبه سوری و از این قبیل ایام و مراسم و مناسبات های ادی بخش را به خوبی و به زیبایی اجرا کنیم؟ چقدر به عناصر ذات بصری و شکل و شمایل آن در جامعه بپا داده ایم؟ چقدر بعبارتی یلدا را فارغ از جمیع های خانوادگی محدود به سطح اجتماعی و فضای بیرونی کشانده ایم و جنبه ای آینینه و ملی و باشکوه آن داده ایم؟ چقدر برای عید نوروز این کار را کرده ایم و برنامه های آن و سراسری برای شادمانی در آن ایام تدارک دیده ایم؟ چقدر بجهاتی چهارشنبه سوری را به شکلی درست و آینینی در شهرها و استنایهای کشور برگزار کرده ایم و مجالی برای شور و شادی جمعی جاد کردیم؟ در غیبت این همه، چطور انتظار داریم سینما بازتابی وغین از جامعه ای که طور دیگری حرکت می کند، داشته باشد؟ رسینمای هالیوود و غرب، کریسمس و هالووین و مناسبات هایی که جینی را در امانتیک به تصور می کشد، یکی از دلایل اصلی اش ن است که همین زنق و برق و عناصر حذاق بصری را اکارکد

شورای پروانه نمایش یا شورای سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مسئول صدور یار و پروانه های ایران است. این شورا در جلسه بلنده سینمایی و یک انبیمهش فیلمنامه های «کافه تایپ» و نویسنده ای محمد حسن

## علی اوجی تهیه کننده «سلوک» شد

## سومايه گذاري گسترده ضد هالپیوودی

کیاوش زیاری  
گروه فرهنگ و هنر

صنعت سینمای کشور آفریقا با نیجریه با همکاری دو بخش خصوصی و نهادهای فرهنگی دولتی، در حال ساخت چند استودیوی بزرگ فیلمسازی برای تقویت تولیدات داخلی و مشترک با کشورهای همسایه است. به باور استاندار کاران سینمایی این کشور غرب آفریقا، تاسیس این مستودیوها، فضای بزرگ‌تر و پیشتری برای فعالیت هنرمندان و موسی خلق کرده و زمینه را برای افزایش تولید فیلم‌های سینمایی (و همچنین مجموعه‌های تلویزیونی) فراهم کی کند. رسانه‌های گروهی و منتقدان سینمایی از صنعت

هه دو صنعت موقی سینمای هالیوود و بایوود هند است. هالیوود هم مثل در قریب خارجی خود، تولید و عرضه کننده فیلم‌های مردم پسند است که توانایی جذب تماشاگران بین‌المللی را به سالان های نمایش دارد. پیش‌بینی می شود با مسترتهاتر شدن دامنه فعالیت فیلمسازان نیجریه‌ای و اسپیس استودیوهای جدید، میزان موفقیت مالی و انتقادی محصولات بومی تا حد زیادی افزایش پیدا کند.

اسپیس استودیوهای تازه هم‌زمان با تلاش کمپانی‌های بزرگ هالیوودی برای رخنه در صنعت سینمای این کشور فریقایی است. این در حالی است که شبکه‌های استریم هم توکیشن‌های نیجریه را مکان مناسبی برای تولید محصولات یونیورسیتی شان دیده و قصد سرمایه‌گذاری روی محصولات جدیدی دارند که در این کشور آفریقایی جلوی دوربین رود. بر همین اساس، اهل فن به صنعت سینمای کشور همچنین مسئولان دولتی در بخش فرهنگ و هنر هشدار اداده‌اند که مراقب تحركات سرمایه‌گذاران خارجی و بویژه مالیوودی در نیجریه باشند. به نوشته رسانه‌های داخلی، روازین قدم صنعت سینمای نیجریه صاحب دو استودیوی بزرگ و وسیع فیلمسازی در شهر لاغوس پایخت کشور خواهد شد. این استودیو با قابلیت های پیشرفته هنری تکنیکی می‌تواند پذیرای تولیداتی باشدند که به صورت شترک هم با کشورهای همسایه و یا حتی دورتر از آن جلوی وریزین می‌روند. از داخل صنعت سینمای نیجریه شنیده شود هنرمندان آن امیدوارند تاسیس این دو استودیوی اه را برای ساخت محصولات پرخرج و بلک باستر داخلی وین المللی فراهم کند. با این همه، برخی تحلیلگران در رابطه چالش‌های سخت پیش رو صحبت کرده و می‌گویند نباید شکلی مفترض در این خوش بین بود و باید باعث بینی و به جلو حرکت کرد. همین تحلیل‌گران عقیده دارند تنهایه سلطی اوپرای به شکلی مثبت و موفق پیش خواهد رفت که از مامای استعدادهای موجود در داخل کشور استفاده شود و حداث این استودیوهای سمت باندیازی و حرکت اقتصادی فناورانگی دولتمردان نشود. متنقدان هم باشاره به این نکته می‌توانند کار با تجربه خارجی و انگلیسی زبان خودداری کنند. و اوانار تمام زینه‌ها و رشته‌های سینمایی دارد، باید از این بیرونها به شکلی درست و توأم‌نده بهره بگیرند و از استخدام یوروهای کار با تجربه خارجی و انگلیسی زبان خودداری کنند. کمی از تهیه‌کنندگان سینمای نیجریه با توجه به تحولات خیری، چنین می‌گوید: «قصه‌های سپیار زیادی وجود دارد که می‌توان در غرب آفریقا به تعریف شان پرداخت. این اتفاق مامای رخ می‌دهد که تمام تهیه‌کنندگان داخلی وارد گود شوند و این داستان‌ها را به زبان تصویری برای تماشاگران سینمای عاریف کنند. همه ماید به ریشه‌هایمان تکیه کیم تا توئین‌تام تماشاگران داخلی را با خودمان همراه داشته باشیم. بن دسته از تولیدات بین المللی هم که در نیجریه فیلم‌باری شوند، باید متوجه این نکته باشند و آن را در تولیدات شان عکاس دهنند. کشور ما فرهنگی کهن و غنی دارد و سینمای ما هم سپیار پیشرفت، به روز و غنی است. تافق این دو، راه را ام، تولید آتا، د، خشان، سا، و همما، مر کند.»<sup>۱۰</sup>

11

اکران توسط کانون های  
فرهنگ و تاریخ

18

## مجوزهای سازمان سینمایی برای آثار غیرسینمایی

13

## رونمایی از مستند چله‌شب؛ کهن آئین یلدادر ایران»

آوازه رسم زیبا و ریشه دار شب یلدا به آن سوی مرزاها و نقاط مختلف جهان هم رسیده است. هرچقدر که سینمای داستانی ایران در این زمینه کم کار بوده و قصور کرده، مستندسازان، رسانه‌های و نهادهای متولی گام‌های مهم درباره معرفی هرچه بیشتر آن برداشته‌اند. به تازگی با توجه به ثبت جهانی آئین کهن یلدا در میراث ناملموس یونسکو در سال ۲۰۱۲، معرفی ویژه این آئین ایرانی در دستور کار رایزنی فرهنگی کشورمان در بوسنتی و هرزگوین قرار گرفت. پیرو همه‌ین ماجرا، مستند «چله‌شب؛ کهن آئین یلدا در ایران» تولید مرکز استناد فرهنگی آسیا پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری اداره کل همکاری‌های فرهنگی و امور ایرانیان خارج از کشور سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی امروز از سه شبکه تلویزیونی بوسنتی و هرزگوین پخش خواهد شد.

